

نقوش به کاررفته در نمد: تحلیل ساختار بصری و نمادین نقوش سنتی

علی حبیبی خوئی

کاردانی مکانیزاسیون



دیرباز یکی از کهن‌ترین دست‌بافته‌های بشر و از مهم‌ترین دستاوردهای فرهنگی ایرانیان به‌ویژه .
ایرانی و روستایی بوده است. در کنار کارکردهای کاربردی، نقوش به کاررفته در نمد، تجلی‌گاه باورها، اسطوره‌ها و جهان‌بینی مردمان فلات ایران به شمار می‌روند. پژوهش حاضر با هدف شناسایی، طبقه‌بندی و تحلیل نقوش به کاررفته در نمدهای سنتی ایران، به روش مروری-توصیفی انجام شده است. جامعه آماری پژوهش را پیشینه‌های مکتوب، مقالات علمی و اسناد تصویری موجود درباره نمد ایرانی تشکیل می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد که نقوش نمد در سه دسته کلی هندسی، گیاهی و جانوری-اساطیری قابل طبقه‌بندی هستند و هر یک از این نقوش حامل معنایی نمادین در ارتباط با طبیعت، زندگی شبانی، باورهای مذهبی و آرزوهای اجتماعی نمدگران بوده‌اند. نقوشی مانند بته‌ای، درخت زندگی، شاخ قوچ، چشم‌بد، خورشید، مار و اژدها، گره، لچک، هشت‌گل و خطوط شکسته از پرتکرارترین الگوهای نمد ایرانی محسوب می‌شوند. نتیجه پژوهش حاکی از آن است که نقوش نمد ایرانی نه تنها زینت‌بخش این دست‌بافته‌اند، بلکه سندی زنده از فرهنگ شفاهی، خاطره جمعی و هویت تاریخی ایرانیان به شمار می‌روند و حفاظت و مستندنگاری آن‌ها ضرورتی فرهنگی و علمی است.

کلیدواژه‌ها: نمد، نقوش سنتی، هنر عشایری ایران، صنایع دستی، نمادهای بصری، نقوش هندسی، نقوش گیاهی، نقوش اساطیری.

نمد از جمله قدیمی ترین دست ساخته های بشر است که قدمت آن به بیش از هشت هزار سال پیش و به دوران نوسنگی بازمی گردد. قدیمی ترین نمونه های نمد در محوطه های باستانی آسیای مرکزی، آناتولی و فلات ایران کشف شده اند (توحیدی، ۱۳۷۹: ۲۵). در ایران، نمد همواره در زندگی عشایر و روستائیان نقشی محوری داشته و علاوه بر کاربردهای روزمره نظیر پوشش سقف، زیرانداز، پوشاک و ظروف نگهداری آذوقه، در آیین ها، مراسم عروسی، سوگواری و مناسک مذهبی نیز جایگاه ویژه ای داشته است (صرامی، ۱۳۸۵: ۱۲۰).

یکی از برجسته ترین ویژگی های نمد ایرانی، نقوش و طرح هایی است که بر سطح آن نقش می بندد. این نقوش که حاصل ذوق، بینش و تجربه چندین هزار ساله نمدگران ایرانی هستند، نه تنها جنبه تزئینی دارند، بلکه زبانی نمادین برای بیان باورها، آرزوها، ترس ها و امیدهای مردمان صاحب این هنر به شمار می روند (صدقی، ۱۳۸۱: ۴۵). به همین دلیل، مطالعه نقوش نمد می تواند دریچه ای به سوی شناخت عمیق تر فرهنگ، اسطوره و جهان بینی جوامع سنتی ایران بگشاید.

هنر نمدسازی در ایران به ویژه در میان ایلات و عشایر آذربایجان، کردستان، لرستان، فارس، سیستان و بلوچستان، خراسان و مازندران رواج چشمگیری دارد و هر یک از این مناطق با توجه به اقلیم، آداب و باورهای محلی، نقوش ویژه ای را در نمدهای خود به کار گرفته اند (دهقان، ۱۳۷۸: ۸۸). به رغم اهمیت و غنای فرهنگی این هنر، متأسفانه در سده های اخیر و با گسترش زندگی شهری، ماشینی شدن تولید و کاهش تمایل نسل جوان به مشاغل سنتی، بسیاری از این نقوش در حال فراموشی و نابودی قرار گرفته اند. از این رو، ثبت، طبقه بندی و تحلیل نقوش به جای مانده از نمد ایرانی، امری ضروری و فوری در حوزه پژوهش های فرهنگی و هنری به شمار می رود.

پژوهش حاضر بر آن است تا با مرور نظام مند منابع موجود، تصویری جامع از نقوش به کاررفته در نمد ایرانی ارائه دهد و ضمن طبقه بندی این نقوش، لایه های معنایی و نمادین آن ها را مورد تحلیل قرار دهد.

بیان مسئله

با وجود آنکه نمد ایرانی به عنوان یکی از شاخص ترین جلوه های هنر کاربردی ایران شناخته می شود و سازمان یونسکو نیز در سال های اخیر بر لزوم حفاظت از این میراث فرهنگی تأکید کرده است، مطالعات سیستماتیک درباره نقوش به کاررفته در نمد بسیار محدود و پراکنده بوده اند. بخش عمده ای از منابع موجود به توصیف کلی فرآیند نمدسازی پرداخته اند و کمتر به تحلیل ساختاری و معنایی نقوش اختصاص یافته است. این در حالی است که نقوش نمد، حاوی اطلاعات ارزشمندی درباره اسطوره ها، باورهای آیینی، ساختار اجتماعی و روابط زیست محیطی جوامع تولیدکننده آن است.

مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که نقوش به کاررفته در نمد ایرانی کدام اند، چگونه قابل طبقه بندی هستند و هر یک چه معنای نمادین و فرهنگی را با خود حمل می کنند؟ فقدان یک طبقه بندی جامع و تحلیل نمادین منسجم از این نقوش، خلئی مهم در ادبیات پژوهشی حوزه صنایع دستی و هنرهای سنتی ایران محسوب می شود.

ضرورت و اهمیت پژوهش

ضرورت انجام این پژوهش را می توان در چند محور زیر خلاصه کرد:

نخست، اهمیت فرهنگی و هویتی: نقوش نمد، بخشی از حافظه جمعی و میراث ناملموس ایرانیان است که در صورت غفلت، برای همیشه از دست خواهد رفت. مستندنگاری این نقوش، گامی اساسی در حفظ هویت فرهنگی است (روحانی، ۱۳۹۰: ۳۴).

دوم، اهمیت علمی و پژوهشی: تاکنون پژوهش منسجمی که به طبقه بندی ساختاری و تحلیل نمادین نقوش نمد بپردازد، اندک بوده و این پژوهش می تواند مبنایی برای مطالعات تطبیقی میان فرهنگی و میان منطقه ای قرار گیرد (پوربابا، ۱۳۹۵: ۱۸).

سوم، اهمیت کاربردی در احیای صنایع دستی: شناخت دقیق نقوش سنتی می تواند راهنمای طراحان و تولیدکنندگان معاصر در خلق محصولاتی باشد که ضمن پاسخ گویی به نیاز بازار، اصالت فرهنگی خود را حفظ کنند.

چهارم، اهمیت آموزشی: نتایج این پژوهش می تواند در تدوین محتوای آموزشی رشته های هنر، طراحی، مردم شناسی و صنایع دستی مورد استفاده قرار گیرد.

اهداف پژوهش

پژوهش حاضر در پی دستیابی به اهداف زیر است:

۱. شناسایی و معرفی نقوش رایج به کاررفته در نمدهای سنتی ایران؛
۲. طبقه بندی ساختاری نقوش نمد در سه دسته اصلی هندسی، گیاهی و جانوری-اساطیری؛
۳. تحلیل معنایی و نمادین هر یک از نقوش و ارتباط آن ها با باورها و زندگی اجتماعی نمدگران؛
۴. بررسی تفاوت ها و شباهت های نقوش نمد در مناطق مختلف ایران؛
۵. ارائه راهکارهای کاربردی برای حفاظت، احیا و بهره برداری فرهنگی-اقتصادی از نقوش نمد ایرانی.

فرضیات پژوهش

۱. به نظر می رسد نقوش به کاررفته در نمد ایرانی، برخلاف تصور رایج، صرفاً تزئینی نبوده و هر یک حامل بار معنایی و نمادین مرتبط با باورها، اسطوره ها و شرایط زیستی جوامع تولیدکننده هستند.
۲. احتمال می رود میان نقوش نمد در مناطق مختلف ایران، همخوانی های ساختاری و معنایی قابل توجهی وجود داشته باشد که بیانگر ریشه های مشترک فرهنگی در سراسر فلات ایران باشد.

۳. به نظر می‌رسد نقوش نمد ایرانی، همچون نقوش فرش و گلیم، از یک نظام نمادین کهن و ریشه‌دار سخن می‌گویند که ریشه در اسطوره‌های پیش‌ازتاریخی و آیین‌های کهن ایرانی دارد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی-توسعه‌ای و از نظر ماهیت و روش، **مروری-توصیفی** است. در این پژوهش با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای شامل کتاب‌ها، مقالات علمی-پژوهشی، پایان‌نامه‌ها و اسناد تصویری موجود در حوزه نمد و صنایع‌دستی ایران، داده‌های مورد نیاز گردآوری شده‌اند. ابزار گردآوری اطلاعات، فیش‌برداری و تحلیل محتوای کیفی بوده است. برای طبقه‌بندی نقوش از روش تحلیل ساختاری و برای تفسیر معنایی آن‌ها از رویکرد نمادشناسی تطبیقی بهره گرفته شده است. جامعه آماری پژوهش را کلیه منابع مکتوب و تصویری مرتبط با نمد ایرانی تشکیل می‌دهد که در بازه زمانی ۱۳۵۰ تا ۱۴۰۲ منتشر شده‌اند و نمونه‌گیری به صورت هدفمند انجام شده است.

پیشینه پژوهشی

در زمینه نمد ایرانی و نقوش آن، پژوهش‌های متعددی به صورت پراکنده انجام شده است که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

توحیدی در کتاب «نمد در ایران» به توصیف فرآیند تولید نمد، انواع نمدها و کاربردهای سنتی آن در زندگی عشایر پرداخته و فصلی از کتاب را به معرفی نقوش رایج در نمدهای مناطق مختلف ایران اختصاص داده است. این کتاب یکی از معدود منابع جامع در این زمینه به شمار می‌رود (توحیدی، ۱۳۷۹: ۱۳۵-۱۱۰).

صرامی در اثر ارزشمند خود با عنوان «سیری در هنر ایران»، نمد را در زمره هنرهای کاربردی ایران معرفی کرده و ضمن اشاره به پیشینه تاریخی آن، به نمادهای رایج در نقوش نمد به‌ویژه نقوش جانوری اشاره کرده است (صرامی، ۱۳۸۵: ۱۳۰-۱۲۰).

صدقی در کتاب «نقوش در فرش ایران» هرچند تمرکز اصلی خود را بر فرش ایرانی قرار داده، اما در بخش هایی از کتاب به مقایسه تطبیقی نقوش نمد و فرش پرداخته و نشان داده است که بسیاری از نقوش نمد، ریشه در سنت های کهن تر نقش پردازی ایران دارند (صدقی، ۱۳۸۱: ۶۰-۴۵).

دهقان در کتاب «صنایع دستی ایران» به معرفی کلی صنایع دستی عشایری پرداخته و در میان آن ها، نمد را به عنوان یکی از شاخص ترین تولیدات عشایر معرفی کرده است. وی همچنین به تنوع نقوش نمد در مناطق مختلف اشاره کرده است (دهقان، ۱۳۷۸: ۹۲-۸۸).

پوربابا در مقاله ای پژوهشی با عنوان «پژوهشی در نمد و نمدمالی ایران» به بررسی تاریخی، جغرافیایی و فنی هنر نمدسازی در ایران پرداخته و در بخشی از مقاله به تحلیل نمادین نقوش نمد عشایر کرمانج پرداخته است (پوربابا، ۱۳۹۵: ۳۲-۱۸).

روحانی در پایان نامه ای با موضوع «بررسی نقوش سنتی در صنایع دستی عشایری ایران» به طبقه بندی نقوش در انواع دست بافته های عشایری از جمله نمد، گلیم، جاجیم و سیاه چادر پرداخته و نقوش نمد را در سه دسته هندسی، گیاهی و جانوری طبقه بندی کرده است (روحانی، ۱۳۹۰: ۷۰-۳۴).

وحدتی در مقاله ای به بررسی نقوش نمد در منطقه آذربایجان پرداخته و نشان داده است که نقوش نمد آذربایجان، ترکیبی از نقوش هندسی و اساطیری ترکی-ایرانی است (وحدتی، ۱۳۹۲: ۵۵).

محمدی در کتاب «هنر عشایر ایران» به معرفی هنر عشایر از جمله نمد پرداخته و نقوش نمد سیستان و بلوچستان را مورد بررسی قرار داده است. وی معتقد است که نقوش نمد بلوچی، ساده تر از سایر مناطق اما سرشار از نمادهای بومی است (محمدی، ۱۳۸۸: ۱۰۲).



مقصودی و همکاران در مقاله‌ای به تحلیل ساختاری نقوش نمد لرستان پرداخته و دریافته‌اند که نقوش این منطقه، بازتاب‌دهنده باورهای کهن مربوط به باروری، حفاظت و زندگی شبانی است (مقصودی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۰-۲۵).

کریمی در پایان‌نامه‌ای با موضوع «نقوش نمد در ایل قشقایی» به بررسی میدانی نقوش نمد در میان عشایر قشقایی پرداخته و فهرستی از ۴۲ نقش رایج در این منطقه ارائه کرده است (کریمی، ۱۳۸۵: ۹۰-۶۰).

نوری در مقاله‌ای به بررسی تطبیقی نقوش نمد در کردستان و آذربایجان پرداخته و شباهت‌های ساختاری قابل‌توجهی میان این دو منطقه یافته است (نوری، ۱۳۹۱: ۳۳).

مرادی در کتاب «فرهنگ و هنر عشایر کرد» به معرفی هنرهای عشایر کرد از جمله نمد پرداخته و نقوش نمد کردی را در سه دسته نمادهای حفاظتی، نمادهای باروری و نمادهای مذهبی طبقه‌بندی کرده است (مرادی، ۱۳۹۴: ۱۷۰-۱۵۰).

سلطانی در مقاله‌ای به بررسی نقش‌مایه‌های اساطیری در نمدهای عشایری ایران پرداخته و دریافته است که بسیاری از نقوش نمد، بازمانده اسطوره‌های کهن ایرانی از جمله اسطوره گیاه مقدس، درخت زندگی و ایزد حامی دام است (سلطانی، ۱۳۸۹: ۲۵).

جعفری در پایان‌نامه‌ای با موضوع «نمد در فرهنگ ایران» به بررسی جامع نمد از ابعاد تاریخی، اجتماعی، اقتصادی و هنری پرداخته و فصلی مستقل را به تحلیل نقوش اختصاص داده است (جعفری، ۱۳۸۷: ۱۱۰-۱۴۰).

حسینی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای به بررسی نقش حفاظتی نقوش نمد پرداخته و استدلال کرده است که بسیاری از نقوش نمد از جمله چشم‌بد و شاخ قوچ، کارکرد دفع بلا و حفاظت در فرهنگ عشایری داشته‌اند (حسینی، ۱۳۹۶: ۵۵-۴۰).

یافته‌های پژوهش

بر اساس مرور نظام‌مند منابع پژوهشی و تحلیل محتوای اسناد تصویری موجود، نقوش به‌کاررفته در نمد ایرانی را می‌توان در سه دسته اصلی طبقه‌بندی کرد:

۱. نقوش هندسی

نقوش هندسی، پرتکرارترین و قدیمی‌ترین نقوش به‌کاررفته در نمد ایرانی هستند. این نقوش به دلیل ماهیت انتزاعی‌شان، سهولت در اجرا و قابلیت تکرار، از دیرباز مورد توجه نمدگران بوده‌اند. از مهم‌ترین نقوش هندسی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- **خطوط شکسته و زیگزاگ:** این خطوط که نمادی از رودخانه، کوه و یا رعد و برق تلقی می‌شوند، در حاشیه اکثر نمدها دیده می‌شوند (توحیدی، ۱۳۷۹: ۱۱۵).
- **مثلث:** نمادی از کوه، سه‌گانه‌های مقدس (مثلث زن، مرد، فرزند) و یا عناصر نرینگی محسوب می‌شود (صدقی، ۱۳۸۱: ۴۸).
- **لوزی:** یکی از بنیادی‌ترین نقوش هندسی در نمد است که نماد چشم، زنانگی، باروری و زمین کشاورزی تلقی می‌شود (دهقان، ۱۳۷۸: ۹۰).
- **مربع و مستطیل:** نماد زمین، خانه، ثبات و پایداری است (روحانی، ۱۳۹۰: ۴۰).
- **دایره:** نماد خورشید، ماه، چرخه زندگی و کمال (صرامی، ۱۳۸۵: ۱۲۵).
- **گره و پیچ:** نماد پیوند، اتصال و رابطه ناگسستنی (پوربابا، ۱۳۹۵: ۲۵).

• **هشت گل:** ترکیبی از چهار گل چهارپر که نماد بهشت، کمال و هماهنگی است (مقصودی و همکاران،

۱۳۹۷: ۳۰).

۲. نقوش گیاهی

نقوش گیاهی، بازتابی از ارتباط عمیق جوامع عشایری و روستایی با طبیعت و گیاهان پیرامون آنهاست. این نقوش عمدتاً انتزاعی و ساده شده هستند:

- **بته ای (بته جقه):** نقشی سروی شکل که نماد درخت زندگی، جاودانگی و زایش است. این نقش در نمدهای آذربایجان، کردستان و لرستان بسیار رایج است (وحدتی، ۱۳۹۲: ۵۸).
- **درخت زندگی:** نماد کهن و جهان شمول پیوند زمین و آسمان، مرگ و رستاخیز، که در نمدهای عشایری با شکوه فراوان به کار گرفته شده است (سلطانی، ۱۳۸۹: ۲۷).
- **برگ و گل:** نقوشی که نماد شادابی، طراوت و حیات هستند و در حاشیه ها و مرکز نمدها به کار می روند (مرادی، ۱۳۹۴: ۱۵۵).
- **شاخه های مو و انگور:** نماد برکت، فراوانی و زندگی پربرکت (کریمی، ۱۳۸۵: ۷۵).
- **گل های شیپوری و لاله ای:** نماد عشق، زندگی و شادمانی (روحانی، ۱۳۹۰: ۵۵).

۳. نقوش جانوری و اساطیری

نقوش جانوری و اساطیری، جذاب ترین و در عین حال پُررمز و رازترین نقوش نماد ایرانی هستند. این نقوش اغلب ریشه در اسطوره های کهن ایرانی دارند:

- **شاخ قوچ:** یکی از شاخص ترین نقوش نمد که نماد قدرت، مردانگی، برکت و حفاظت از گله است. این نقش در نمدهای عشایری آذربایجان، کردستان و لرستان بسیار دیده می شود (حسینی، ۱۳۹۶: ۴۵).
- **چشم بد (نظرگاه):** نقشی چشم مانند که کارکرد دفع چشم زخم و حفاظت در برابر نیروهای پلید را بر عهده دارد. این نقش یکی از رایج ترین نقوش حفاظتی در نمدهای ایرانی است (مرادی، ۱۳۹۴: ۱۶۰).
- **خورشید و پرتوهای آن:** نماد روشنایی، گرما، حیات و ایزد مهر در اسطوره های ایرانی (سلطانی، ۱۳۸۹: ۲۹).
- **مار و اژدها:** نمادهایی دوگانه که هم نشانه خطر و هم نشانه حفاظت و نگهبانی گنج تلقی می شوند (جعفری، ۱۳۸۷: ۱۲۰).
- **پرنده:** نماد روح، پیام آوری از جهان دیگر و آزادی (صدقی، ۱۳۸۱: ۵۵).
- **ماهی:** نماد برکت، فراوانی، حفاظت و پیوند با عناصر آب (نوری، ۱۳۹۱: ۳۵).
- **گرگ و شیر:** نمادهای قدرت، شجاعت و حفاظت (محمدی، ۱۳۸۸: ۱۰۵).

۴. تفاوت های منطقه ای

بررسی ها نشان می دهد که نقوش نمد در مناطق مختلف ایران، تفاوت های قابل توجهی با یکدیگر دارند. نمدهای آذربایجان و کردستان، سرشار از نقوش هندسی پیچیده و اساطیری هستند. نمدهای لرستان و بختیاری، نقوش جانوری و گیاهی را در هم آمیخته اند. نمدهای سیستان و بلوچستان ساده تر اما پُر نماد هستند و نمدهای عشایر کرمانج خراسان، ترکیبی از نقوش هندسی و گیاهی را به نمایش می گذارند (جعفری، ۱۳۸۷: ۱۳۰؛ مقصودی و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۵).

نتیجه گیری و پیشنهادات کاربردی

نتیجه گیری

پژوهش حاضر نشان داد که نقوش به کاررفته در نماد ایرانی، صرفاً نقوشی تزئینی نیستند، بلکه زبانی نمادین و سندی فرهنگی هستند که باورها، اسطوره‌ها، آرزوها و سبک زندگی مردمان ایران زمین را در خود رمزگذاری کرده‌اند. این نقوش در سه دسته اصلی هندسی، گیاهی و جانوری-اساطیری قابل طبقه‌بندی هستند و هر دسته، حامل پیام‌ها و معانی ویژه‌ای است.

نقوش هندسی، انتزاعی‌ترین لایه نقوش نماد هستند که عمدتاً ریشه در تفکر جادویی و کهن‌الگویی بشر دارند. نقوش گیاهی، بازتاب ارتباط نزدیک جوامع عشایری با طبیعت و وابستگی معیشتی آنان به گیاهان و مراتع است. نقوش جانوری-اساطیری نیز، عمیق‌ترین لایه معنایی نماد ایرانی را تشکیل می‌دهند و نشان‌دهنده پیوند این هنر با اسطوره‌ها و باورهای دینی کهن ایرانی هستند.

تطبیق نقوش نماد با نقوش سایر دست‌بافته‌های ایرانی نظیر فرش، گلیم و جاجیم نشان می‌دهد که این نقوش، ریشه در یک نظام نمادین مشترک و کهن دارند که احتمالاً به دوران پیش‌ازتاریخ و به فرهنگ‌های پیش‌هندواروپایی و هندواروپایی بازمی‌گردد. این یافته با دیدگاه محققانی همچون صرامی (۱۳۸۵) و صدقی (۱۳۸۱) هم‌خوانی دارد.

با این حال، آنچه نگران‌کننده است، روند رو به زوال این میراث فرهنگی ارزشمند است. بسیاری از نقوش کهن نماد، در حال فراموشی هستند و نسل جدید نمدگران، یا از وجود آن‌ها بی‌خبرند و یا تمایلی به استفاده از آن‌ها ندارند. این امر، ضرورت توجه فوری به مستندنگاری، آموزش و انتقال این میراث به نسل‌های آینده را دوچندان می‌کند.

پیشنهادهای کاربردی

بر اساس یافته‌های پژوهش، پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

۱. **مستندنگاری جامع:** ایجاد آرشیو ملی نقوش نمد ایران با همکاری سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و دانشگاه‌ها، شامل عکس‌برداری حرفه‌ای، توصیف علمی و تحلیل نمادین هر یک از نقوش. این آرشیو باید به صورت دیجیتال و قابل دسترس برای پژوهشگران و علاقه‌مندان طراحی شود.

۲. **تدوین اطلس نقوش نمد:** تهیه اطلس مصور نقوش نمد ایران به تفکیک منطقه جغرافیایی، شامل نقشه پراکنش نقوش، توضیحات نمادشناختی و مقایسه‌های تطبیقی.

۳. **آموزش و انتقال دانش:** طراحی دوره‌های آموزشی رسمی و غیررسمی برای انتقال دانش نقش‌بندی نمد از استادکاران پیر به جوانان علاقه‌مند. این دوره‌ها می‌توانند در قالب کارگاه‌های محلی در مناطق عشایری برگزار شوند.

۴. **حمایت اقتصادی از نمدگران:** ارائه وام‌های کم‌بهره، بیمه هنرمندان صنایع دستی و ایجاد بازارهای دائمی برای فروش محصولات نمدی با حفظ اصالت نقوش سنتی.

۵. **طراحی معاصر با الهام از نقوش سنتی:** تشویق طراحان صنایع دستی به خلق محصولات نوین (مانند کیف، کفش، پوشاک مدرن، لوازم دکوراتیو) با الهام از نقوش سنتی نمد، به گونه‌ای که اصالت فرهنگی حفظ شود.

۶. **ثبت در فهرست میراث فرهنگی ناملموس:** پیگیری برای ثبت هنر نمدسازی و نقوش آن در فهرست میراث فرهنگی ناملموس یونسکو.

۷. **گردشگری فرهنگی:** ایجاد مسیرهای گردشگری فرهنگی در مناطق عشایری با هدف بازدید از کارگاه‌های نمدسازی، آشنایی با نقوش سنتی و خرید محصولات اصیل.

۸. پژوهش های تکمیلی: انجام پژوهش های میدانی گسترده در مناطق مختلف ایران به ویژه مناطقی که کمتر مورد مطالعه قرار گرفته اند، از جمله مازندران، گیلان، هرمزگان و کهگیلویه و بویراحمد.

۹. استفاده از فناوری های نوین: بهره گیری از فناوری های سه بعدی، واقعیت افزوده و هوش مصنوعی برای مستندنگاری، بازسازی و معرفی نقوش نمد به نسل جوان.

۱۰. تأسیس موزه تخصصی نمد: راه اندازی موزه ای تخصصی برای نمد ایرانی در یکی از شهرهای عشایری، شامل نمونه های ارزشمند نمد از مناطق مختلف، ابزار و ادوات نمده سازی و مستندات مرتبط با نقوش.

منابع

۱. کتاب ها

۱. توحیدی، کریم الله (۱۳۷۹). *نمد در ایران*. تهران: انتشارات سروش.
۲. دهقان، جعفر (۱۳۷۸). *صنایع دستی ایران*. تهران: انتشارات آستان قدس رضوی.
۳. صرامی، عبدالله (۱۳۸۵). *سیری در هنر ایران*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۴. صدقی، ناصر (۱۳۸۱). *نقوش در فرش ایران*. تهران: انتشارات سروش.

۵. محمدی، مهدی (۱۳۸۸). هنر عشایر/ایران. تهران: انتشارات هیرمند.

۶. مرادی، کاوه (۱۳۹۴). فرهنگ و هنر عشایر کرد. تهران: انتشارات پژوهش های فرهنگی.

۲. مقاله ها

۱. پوربابا، حسن (۱۳۹۵). «پژوهشی در نمد و نمدمالی ایران». فصلنامه فرهنگ مردم/ایران، سال دهم،

شماره ۳۸، صص ۱۸-۳۲.

۲. حسینی، زهرا (۱۳۹۶). «بررسی نقش حفاظتی نقوش نمد در فرهنگ عشایری». دوماهنامه فرهنگ و

هنر، سال نهم، شماره ۴، صص ۴۰-۵۵.

۳. سلطانی، لیلا (۱۳۸۹). «نقش مایه های اساطیری در نمدهای عشایری ایران». فصلنامه مطالعات ایرانی،

شماره ۱۸، صص ۲۱-۳۵.

۴. مقصودی، محسن؛ فلاحی، علی؛ و حسینی، سید محمد (۱۳۹۷). «تحلیل ساختاری نقوش نمد

لرستان». نشریه هنرهای صناعی/ایران، دوره ۵، شماره ۱، صص ۲۵-۴۰.

۵. نوری، رحیم (۱۳۹۱). «بررسی تطبیقی نقوش نمد در کردستان و آذربایجان». فصلنامه مطالعات

فرهنگی و هنری، سال هفتم، شماره ۲۵، صص ۳۰-۴۵.

۶. وحدتی، علی (۱۳۹۲). «نقوش نمد در منطقه آذربایجان». مجله هنرهای سنتی/ایران، شماره ۲، صص

۵۰-۶۵.

۳. پایان نامه ها

۱. جعفری، سحر (۱۳۸۷). نمد در فرهنگ/ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.



۲. روحانی، زهرا (۱۳۹۰). بررسی نقوش سنتی در صنایع دستی عشایری ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد،

دانشگاه هنر اصفهان.

۳. کریمی، فاطمه (۱۳۸۵). نقوش نمد در ایل قشقایی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.

